

## به‌کارگیری رویکرد پدیدارشناسانه مبتنی بر «تجربه‌ی خود

### زیسته» در پژوهش‌های علوم تربیتی

(مطالعه کیفی برای تبیین شیوه آموزش غلامحسین شکوهی)

محمد رضا نیستانی<sup>1</sup>

#### بیان مساله

پدیدارشناسی، «روشی نوین برای فلسفیدن و تلاشی تازه برای بازگردانیدن فلسفه از قلمرو تاملات انتزاعی به سپهر تجربه‌ی زندگانی است». پدیدارشناسی، حوزه مطالعه انسان را بسیار گسترده در نظر می‌گیرد و آن را تا مرز تمامی تجارب، واقعیت‌ها و پدیده‌های محیط آدمی گسترش می‌دهد. در پدیدارشناسی، محقق به آزمون و بررسی پدیده‌هایی می‌پردازد که در تجارب زندگی روزانه انسان اتفاق می‌افتاد. «پدیده‌ها نیز شامل هر آن چیزی است که در عالم وجود دارد یا در قلمرویی است که مردم در آن زندگی می‌کنند» (اورلینگ و هالبرگ، 2001). هر تجربه‌ی انسان در زندگی، می‌تواند حوزه مطالعه پدیدارشناس را تشکیل دهد. در رویکرد پدیدارشناسی، محقق به توصیف، تبیین و تحلیل جهان پیرامون و تجارب زیسته می‌پردازد. در پژوهش کیفی به‌طور عام و در تحقیق پدیدارشناسانه به‌طور خاص، پژوهش‌گر تنها در جست‌وجوی راهی است تا به بهترین نحو، امکان فهم و درک پدیده‌های انسانی را فراهم آورد. راهی که در آغاز تحقیق برای تبیین پدیده یا پدیده‌ها اندیشیده می‌شود، همواره ثابت نمی‌ماند و در گذر پژوهش و در حین کندوکاو ممکن است شکل‌ها و شیوه‌های مختلفی به خود بگیرد.

رویکرد پدیدارشناسانه مبتنی بر «تجربه خود زیسته» را می‌توان یکی از روش‌های موثر در بررسی پدیده‌های علوم تربیتی دانست. در این رویکرد، نخست پدیده زیسته شخص در حوزه‌های تعلیم و تربیتی شناسایی می‌شود و پس از مطالعه یا اندیشیدن مقدماتی، پرسش‌های پدیدارشناسانه مطرح می‌گردد. سپس به بررسی و تحقیق درباره تجارب پرداخته می‌شود. درگام

<sup>1</sup> عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی Mr\_neyestani@yahoo.com یا

neyestani@gmail.com



بعدی، نتایج بررسی‌ها به صورت مکتوب و دقیق، توصیف و تبیین و تحلیل می‌گردد. در این مقاله، محقق با به‌کارگیری رویکرد پدیدارشناسانه تجربه خود زیسته به بررسی شیوه آموزش غلامحسین شکوهی در کلاس درس پرداخته است. بر اساس این رویکرد، پژوهش‌گر به بررسی تجربه خویش از کلاس‌های شکوهی پرداخته و کوشیده است به شیوه‌ای پدیدارشناسانه، به ماهیت اساسی کلاس‌های او راه برد.

### پرسش اصلی پژوهش

شیوه و رویکرد عمده تدریس غلامحسین شکوهی در کلاس‌های درس چگونه است؟

### چارچوب نظری

امکان مطالعه در حوزه پدیدارشناسی بسیار گسترده است و شامل مطالعه درباره یک شی، یک تجربه و یک حادثه را شامل می‌شود که شخصی دیده، لمس کرده، احساس نموده، شنیده یا با آن به نحوی زندگی کرده است (سیمو به نقل از جانسون، 2006). در حوزه آموزش و پرورش، گرایش مثبتی به انجام پژوهش‌های کیفی از دهه هفتاد صورت پذیرفته است (بورنز، 2000). مطالعات پدیدارشناختی در این حوزه توسط فترمن (1988)، ون مانن (1997) و اریچ (1997) مورد استفاده واقع شده است. رویکرد ون مانن در پدیدارشناختی برگرفته از رویکرد هرمنوتیک هایدگری است. یعنی توصیف معنای یک پدیده و فهم معنای آن از طریق تجربه زیسته. در رویکرد پدیدارشناسانه ون مانن، مطالعه تجربه زیسته و دستیابی به کنه آن از طریق توصیف و تبیین علمی، دقیق و شاعرانه و از یک چشم انداز خاص فراهم می‌آید. در واقع روش تحقیق پدیدارشناسانه، مطالعه‌ای است نظام‌مند، آشکار و صریح، خودانتقادی، قابل شمول به چند فاعل درباره تجربه زیسته آدمی در یک زمینه یا موضوع خاص (ون مانن، 1990:11). در رویکرد پدیدارشناسانه ون مانن، نوشتن و به ویژه نوشتن اندیشمندانه بخش مهم و بسیار اساسی در توصیف تجربه زندگی است. از دیدگاه ون مانن، اگر چه نمی‌توان روندهای ثابتی برای پدیدارشناختی در حوزه آموزش و پرورش تعیین نمود، با این وجود مراحل یک تحقیق پدیدارشناختی می‌تواند شامل فعالیت‌های زیر باشد:



1. مواجهه با پدیده‌ای که به‌طور جدی ما را درگیر خویش ساخته است.
2. کندوکاو و بررسی تجربه، آنچنان‌که با آن زندگی کرده‌ایم، نه آنچنان‌که آنرا مفهوم‌سازی می‌کنیم.
3. اندیشیدن درباره موضوعات اساسی که شناساننده پدیده است.
4. توصیف پدیده از طریق هنر نوشتن و بازنوشتن.
5. ارزیابی و بررسی یک رابطه پداگوژیکی قوی و مرتبط با پدیده
6. ایجاد توازن زمینه تحقیق با ملاحظه بخش‌ها و کل (همان منبع 30-31).

## روش‌ها

در این پژوهش، محقق از رویکرد پدیدارشناسانه مبتنی بر تجربه خود زیسته برای بررسی شیوه آموزش غلامحسین شکوهی در کلاس درس پرداخته است. این روش را نویسنده با توجه به ریشه‌های فلسفی پدیدارشناسی هوسرل و هایدگر و تا اندازه‌ای متفاوت از روش‌های رایج دهه‌های اخیر در پژوهش‌های پدیدارشناسانه ارائه داده است. تحقیقات پدیدارشناسی فعلی صرفاً به بهره‌گیری از تجارب دیگران در دستیابی به اطلاعات متکی است، در حالی‌که در پژوهش پدیدارشناسانه مبتنی بر تجربه خود زیسته، عنایت به تجارب خود محقق است. برای تبیین و تحلیل تجربه خود زیسته، از روش «روایی تحلیلی» بهره برده شده است. سبک روایی تحلیلی، این امکان را به فرد می‌دهد تا تجربه اصیل و زیسته خود را با تحلیل‌ها و معیارهای علمی مورد داوری قرار دهد و به دانش اصیل‌تری دست یابد. در توصیف، تبیین و تحلیل آموزش شکوهی، محقق - به‌عنوان راوی اول شخص - کوشیده است تا کلاس‌های شکوهی را در زنجیره‌ای از حوادث پیش‌آمده و تجربه‌های زیسته خویش به خدمت گیرد و از آن میان به تبیین، توصیف، نقد و ارزیابی اندیشه‌ها و شیوه‌های تربیتی شکوهی بپردازد. توصیف‌ها، تحلیل‌ها و داوری‌های موجود در این مطالعه، تنها بر مبنای حضور در کلاس‌ها و شاگردی ایشان بدست آمده و در آن از دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مکتوب شکوهی کم‌تر استفاده شده است. همچنین در هیچ‌جا این اثر، تلاشی برای بررسی آثار و اندیشه‌های شکوهی صورت نگرفته و از تجارب یا نوشته‌های دیگر شاگردان ایشان نیز سخنی به میان نیامده است. با وجود این باید اذعان داشت که در تحلیل



پدیدارشناسانه بر مبنای تجربه خود زیسته، میل و اراده شخص در کندوکاو، تحلیل و داوری بی‌تاثیر نبوده است. در حقیقت، نوشته‌ای که بر مبنای «تجربه زیسته» به نگارش درآید، بی‌هیچ مسامحه‌ای، رنگ و بوی اندیشه‌ها و احساس نگارنده را با خود همراه خواهد داشت. بنابراین در این مطالعه، فاعل شناسنده، حذف نگردیده و دیدگاه‌ها و تمایلات محقق در فرایند شناسایی، نادیده انگاشته نشده است. همچنین هر جا که لازم بوده، نویسنده فراتر از توصیف و تحلیل‌های کلاس شکوهی، به داوری پرداخته و به تحلیل‌های بیشتری درباره پدیده‌های پیرامونی مبادرت نموده است.

در پایان محقق با بهره‌گیری از تجارب خودزیسته، در قالب یک گزارش 150 صفحه‌ای و به سبک ادبی و هنری، کلاس‌های شکوهی را توصیف و تحلیل نموده است. همچنین برای آنکه نتایج تحقیق از روایی بالایی برخوردار باشد، محقق نوشته نهایی را در دفعات مختلف برای 10 نفر از شاگردان و آشنایان شکوهی ارسال کرده است تا درباره توصیف و تحلیل خویش از کلاس‌های شکوهی هیچ نکته‌ای را از قلم نیندازد.

## یافته‌ها

یکی از نکات قابل توجه در پژوهش‌های کیفی پدیدارشناسانه، به ویژه رویکرد پدیدارشناسانه تجربه خود زیسته، تفاوت در نحوه ارائه یافته‌های پژوهش است. در واقع، یافته‌های چنین مطالعاتی را نمی‌توان در قالبی عام ارائه نمود که معمولاً در پژوهش‌های کمی و خطی مرسوم است. حتی می‌توان گفت که گاهی نمی‌شود اصلاً به سبک و سیاقی که مثلاً در فرم ارائه مقاله همایش انجمن تعلیم و تربیت، خواسته شده، نتایج چنین پژوهش‌هایی را عرضه داشت. یافته‌های این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نیست. محقق نتایج کندوکاو و بررسی خویش را از کلاس‌های شکوهی، در یک قالب روایی-تحلیلی با نگارشی خاص (ادبی - هنری) ارائه داده است. شیوه نگارش و سبک ادبی در رویکرد پدیدارشناسانه مبتنی بر تجربه خودزیسته، بگونه‌ای در این تحقیق آمده است که حذف یک صفحه آن می‌تواند بر کلیت اثر لطمه وارد سازد. بخش‌های اصلی این پژوهش شامل موارد زیر است: معلمی که در باران آمد، درس اول: طرحی از یک زندگی، هنر تدریس، چشمان بیداری و آخرین درس‌ها و دیدارها. آنچنان‌که ملاحظه



می‌شود، خواننده از این عناوین نمی‌تواند به یافته‌ها و نتایج پژوهش راه برد. با این حال کسی که کل اثر را مطالعه کند، به توصیف دقیقی از کلاس‌های شکوهی و شیوه تدریس و معلمی او دست می‌یابد.

با وجود این برای آن‌که خواننده بتواند یک نگاه کلی به نتایج پژوهش دست یابد، در مقاله اصلی، کوشش شده است تا برخی از توصیف‌های ارائه شده از کلاس درس شکوهی خلاصه‌وار ارائه گردد. این توصیف‌ها تا اندازه‌ای نیز می‌تواند خواننده را با سبک نگارش اثر و نحوه توصیف و تبیین این پژوهش آشنا سازد. با این حال باید اذعان داشت که این نمونه‌ها کم‌تر قادر است بیانگر کلیت اثر و یافته‌های این پژوهش باشد که به سبک ادبی در 150 صفحه ارائه گردیده است. این کار، درست مثل این می‌ماند که فیلمنامه‌ای را بخواهید پاره پاره کنید و مولفه‌های آن را بیرون بکشید و آنگاه به‌طور خلاصه در یک جدول بیاورید. مهم‌ترین و اصیل‌ترین ویژگی یک نوشته مبتنی بر تجربه خود زیسته، فرم و شیوه ارائه هنرمندانه و ادیبانه یافته‌های آن است نه صرفاً محتوای آن؛ نکته‌ای که ون مانن از آن تحت عنوان نوشته هنرمندانه یاد می‌کند.

### نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادها

رویکرد پدیدارشناسانه مبتنی بر تجربه زیسته را می‌توان یک روش کیفی در پژوهش‌های علوم تربیتی به کار بست. در این رویکرد محقق می‌تواند به راه‌های مختلف به مطالعه تجربه زیسته در زمینه‌های مرتبط با آموزش و پرورش بپردازد. از جمله مهم‌ترین روش‌های پدیدارشناسانه در حوزه علوم تربیتی می‌توان به بررسی تجارب زیسته دیگران در آموزش و پرورش، مشاهده پدیده‌های تربیتی، مصاحبه با کسانی که در زمینه‌های آموزشی و پرورشی دارای تجربه زیسته بوده‌اند، توصیف‌های تجربی در فرایند تعلیم و تربیت، استفاده از بیوگرافی برای شناسایی پدیده‌های تربیتی و تجربه خود زیسته اشاره نمود.

متأسفانه، تکیه بر پژوهش‌های کمی، دست و پای پژوهش‌گران ما را بسته است و دامنه وسیعی از تحقیقات ما همچنان بایر مانده است. به دلیل توجه صرف به روش‌های کمی بوده است که امروز در شناسایی بسیاری از پدیده‌های تربیتی و مربیان بزرگ تعلیم و تربیت کشور، ناتوان و دست خالی مانده‌ایم. برای نمونه، با وجود سخن‌های متفاوت درباره شکوهی، کم‌تر نوشته‌ای را



می‌توان یافت که به بازخوانی کار، اندیشه و باورهای تربیتی او پرداخته باشد. تنها کتابی نیز که درباره شکوهی با عنوان «زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر غلامحسین شکوهی» توسط انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به سال 1386 نگارش یافت، شامل مجموع حرف‌های پراکنده و سخنان دوستان و آشنایان شکوهی است.

با توجه به این «باغ بی‌برگی»، رویکردهای پژوهش در حوزه علوم تربیتی نیازمند یک بازنگری و مذاقه اساسی است. نتایج این پژوهش، گامی است برای بهره‌گیری از رویکردهای کیفی همچون پدیدارشناسی تجربه خود زیسته در پژوهش‌های تعلیم و تربیت و راهی است برای شناسایی و ماندگاری مریبان بزرگ این مرز و بوم. پژوهشگر امیدوار است تا تحلیل پدیدارشناختی این اثر با تحلیل‌های جدی دیگری درهم آمیزد که در آینده درباره شکوهی انجام خواهد پذیرفت، تا از خلال آن‌ها، تصویر کاملی از کلاس شکوهی و روش تربیت او فراهم آید.

**واژگان کلیدی:** پدیدارشناسی، تجربه خودزیسته، غلامحسین شکوهی

## منابع

- 1- Creswell, J. W. (2003). Research design: Qualitative, quantitative and mixed methods Approaches (2nd ed.) Thousand Oaks, CA: Sage.
- 2- Creswell, J. W. (2007). Qualitative inquiry & research design: Choosing among five approaches (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publishing.
- 3- Crotty M (1996) Phenomenology and Nursing Research. Churchill Livingston, Melbourne
- 4- Creswell, J. W. (1998). Qualitative inquiry and research design: Choosing among the five traditions. Thousand Oaks, CA: Sage.